

به توجه فاجعه بار به قلعه سنگ!

حسام الدین اسلاملو

گزارش

ایران کهن چند کارگاه ضرب سکه‌ی خیلی مهم داشته است که ضرب سکه در آن‌ها برای حاکم به منزله‌ی تسلط بر کل امپراطوری ایران بوده است. یکی شهر دایره شکل دارابگرد و دیگری شیریکان که همین قلعه‌سنگ خودمان بوده و بعید نیست شیریکان نیز شهر گردی بوده است و این را تا حدودی از نشانه‌های باقی مانده و شباهتش به دارابگرد می‌توان حدس زد. گرچه با سکوت مسئولان در سالیان گذشته متأسفانه باغ‌های پسته به حریم این اثر تاریخی ثبت شده تجاوز کردند تمام خانه‌های مخروبه‌ی شیریکان باستانی را بلعیدن و به با خاک یکسان کرده و از بین بردند! این درحالی‌ست که به نظر می‌رسد دروازه‌ی این شهر گرد که براساس باورهای باستانی دایره‌ای ایجاد شده بود- هنوز پابرجاست و می‌توان ورودی این شهر بزرگ باستانی را مابین دو لاین جاده‌ی آرامستان دید. در اهمیت تاریخی قلعه سنگ همین بس که محققان از روی سکه‌های یافته شده در آنجا در تاریخ ایران بازنگری‌های اساسی کرده‌اند و همین چند سال پیش مقاله‌ای دیدم درباره تاریخچه‌ی مهرآه‌های سنگی و پلکانی در محوطه‌ی باستانی پاسارگاد. مهرآه‌هایی که از نظر جنس سنگ و نوع پلکان با منبر سنگی سیرجان مو نمی‌زدند و اتفاقاً خود پژوهشگر نیز به این مساله اشاره کرده بود و با استناد به بازدید یک دهه پیش ایرج افشار ایران‌شناس فقید و نامی از قلعه‌ی سنگ سیرجان، منبر سنگی را یک پلکان آیینی-نیایشی مربوط به دوران هخامنشی دانسته بود که بعدها در دوران اسلامی کاربری‌اش منبر می‌شود و این یعنی پیوستگی چند هزارساله‌ی فرهنگ دینی ایرانیان در یکتاپرستی و یعنی

بر خلاف تصور عموم در امر دینی در ایران هیچ گسست و انفصال و انقطاعی اتفاق نیفتاده است. این مسئله را طرح کردم تا به اوج اهمیت تاریخی-پژوهشی و میراثی منبر سنگی اشاره کرده باشم و اینکه بی توجهی به این اثر و احتمال نابودی کامل آن چقدر از نظر مطالعات آینده دانش تاریخ فاجعه بار است. اما چه سود؟! مگر برخی مردم بی‌ملاحظه دست از یادگاری نویسی و فحاشی با اسپری رنگ روی این اثر گران سنگ برمی‌دارند؟ چندی پیش هم که با پتک عامدانه روی آیات قرآنی منبر کوبیده بودند! عجیب اینکه مسئولان مدعی دیانت ما حتا دلشان برای این آیات قرآنی تاریخی هم نمی‌سوزد؟! از طرفی مگر مسئولان امر نیز درکی دارند یا دلی می‌سوزانند؟! سال‌ها گذشته و موتورسواران بر گرده‌ی این قلعه‌ی مخروبه‌ی تاریخی جولان می‌دهند و گنج یابان به امید یافتن سکه همه جاییش را کنده و زیر و رو کرده‌اند.

هیچ کس هم از میان مسئولان ریز و درشت شهرستان نه برایش مهم است و نه اهمیتی می‌دهد. درحالی که امکان داشت در کنار رفع تصرفات از حریم این اثر، گروه‌های باستان‌شناسی حفاری کنند و با ایجاد یک موزده دور منبر سنگی، آثار یافته شده را به نمایش بگذارند تا این مکان مستعد یکی از ظرفیت‌های خوب گردشگری در سیرجان شود. مسئولان اداره میراث فرهنگی سیرجان کش توضیح می‌دادند برنامه‌هایشان برای پیگیری و اجرای برنامه منصور مکی‌آبادی فرماندار اسبق در حیطه‌ی قلعه‌سنگ چیست؟ قلعه سنگ به عنوان مرکز شهر باستانی سیرجان که در آن سکه‌های ساسانی و عرب-ساسانی ضرب شیریکان (نام قدیم سیرجان) یافت شده و به کار پژوهش تاریخی

و تغییر نگرش در دانش تاریخ و البته نگهداری در موزه به عنوان سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی سیرجان آینده، می‌آید، چرا مورد بی‌توجهی قرار گرفته؟ منبر سنگی با پیشینه و اهمیت فوق‌العاده‌اش در پژوهش تاریخ ادیان، چرا به این حال و روز افتاده که تخریب شود و رویش یادگاری بنویسند؟

امکان جا به جایی‌اش نبود، امکان قرار دادن منبر سنگی در یک محفظه‌ی شیشه‌ای هم وجود نداشت؟ یا چرا دوباره گروه‌های باستان‌شناسی برای حفاری علمی مستقر نمی‌شوند؟ چرا یک موزه در محل ایجاد نمی‌شود تا اشیای سفالی و فلزی کشف شده در آن برای بازدید گردشگران نگهداری شود؟ چرا آنجا یک کیوسک نگهبانی ندارد که معتادان و موتورسواران و البته قاچاقچیان عتیقه هر غروب و هر شب آنجا جولان ندهند؟

می‌گویید بودجه نیست؟ این همه شرکت معدنی و معین اقتصادی وجود دارد. کم‌کاری خودتان را پشت نبود بودجه توجیه نکنید. حتا موقتا یک دیوار سیمانی با در آهنی برای حفظ منبر از تخریب‌های انسانی و طبیعی هم شدن نبود؟! بود و هست اگر به یک تاریخ و فرهنگ سترگ بی‌تفاوت نبودید و دست از کم لطفی و کم محلی و بی‌مهری با یک فرهنگ و تاریخ برمی‌داشتید.

نه تنها بودجه‌ی این کارها را می‌توان از معادن گرفت که حتا می‌توان از قلعه‌سنگ تا شاه‌فیروز را برای بازدید گردشگران از آثار بازمانده از این شهر دایره‌ای کهن، تله‌کابین گذاشت. خلاصه که کاش نیتی برای کار در اداره میراث بود، بودجه را می‌شد از معادن گرفت و بعد با تولید ثروت از طریق، جذب گردشگر کار حفاری و پژوهشی را ادامه داد.